

بسم الله الرحمن الرحيم

بررسی زندگی فضای عمومی

نویسندگان: یان گل، بیگیت اسوار

مترجمان: محمد سعید ایزدی، سمانه محمدی، سمانه خبیری

سرشناسه : گل، یان، ۱۹۳۶ - م.
Gehl, Jan
عنوان و نام پدیدآور : بررسی زندگی فضای عمومی
مشخصات نشر : تهران : اول و آخر، ۱۳۹۴.
مشخصات ظاهری : ۲۵۶ ص.: مصور (رنگی)، جدول، نمودار؛ ۲۲ × ۲۹ س.م.
شابک : 978-600-7363-17-1
وضعیت فهرست نویسی : فیهای مختصر
یادداشت : فهرستنویسی کامل این اثر در نشانی: <http://opac.nlai.ir> قابل دسترسی است
یادداشت : عنوان اصلی: how to study public life.
شناسه افزوده : اسوار، بیگیت
شناسه افزوده : ایزدی، محمدسعید، ۱۳۴۷ -
شناسه افزوده : محمدی، سمانه، ۱۳۶۶ -
شناسه افزوده : خبیری، سمانه، ۱۳۶۵ -
شناسه افزوده : مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران
رده بندی کنگره :
رده بندی دیویی :
شماره کتابشناسی : ۳۸۵۷۲۸۷
ملی :



مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران

بررسی زندگی فضای عمومی

نویسنده: یان گل، بیگیت اسوار

مترجمان: محمد سعید ایزدی، سمانه محمدی، سمانه خبیری

نوبت چاپ: اول-۱۳۹۴

تیراژ: ۱۰۰۰

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۳۶۳-۱۷-۱

ناشر: انتشارات اول و آخر

قیمت: ۲۴۸۰۰ تومان

تهران- اتوبان همت- خیابان عدل- خیابان شهید کاظمی- پلاک ۲۲

تلفن ۴۴۴۵۷۶۳۷ ۴۴۴۰۹۶۵۹ ۰۹۱۲۱۳۳۳۶۳۴



فهرست مطالب

پیشگفتار دکتر علی مدنی پور	ب
پیشگفتار جرج فرگوسون	د
مقدمه مترجمان	ه
مقدمه نویسندگان	ی
۱- فضای عمومی، حیات شهری: کنش متقابل	۱
۲- چه کسی، کجا، چگونه؟	۱۳
۳- شمارش، نقشه‌برداری، ردگیری و سایر ابزارها	۲۷
۴- مطالعات زندگی فضای عمومی از منظر تاریخی	۴۷
۵- روش انجام کار: ملاحظات تحقیق	۱۰۷
۶- بررسی زندگی فضای عمومی در عمل	۱۶۵
۷- بررسی زندگی فضای عمومی و سیاست شهری	۱۹۵
توضیحات، کتاب‌شناسی، توضیح تصاویر و واژگان تخصصی	۲۱۱

فضای عمومی عرصه اصلی زندگی اجتماعی در شهر است. درست است که با وجود نهادهایی چون کتابخانه، موزه، نمایشگاه و مدرسه، و با گسترش وسایط ارتباط جمعی، از کتب و مطبوعات تا رادیو و تلویزیون و اینترنت، زندگی اجتماعی شهری دیگر به باغ و خیابان و میدان محدود نمی‌شود. ولی نیاز آدمیزادگان کماکان همانست که در همه تاریخ و در همه جوامع بشری تداوم داشته: که چشم در چشم هم داشته باشند، از وجود همدیگر آگاه باشند، از همدی با یکدیگر لذت یابند، و از همکاری باهم بهره برند. فضای عمومی شهری، در طیف وسیع و به معنای اعم، سنگ زیرین تمام عرصه‌های پیچیده‌تر اجتماعی است، چرا که بدون راحتی رفت و آمد، حضور بلامانع در شهر، و توانایی مشارکت در عرصه‌های مختلف، هیچک از عملکردهای جامعه شهری میسر نخواهد بود. ازین رو، کیفیت فضای عمومی شهرها رابطه‌ای مستقیم با سلامت جامعه شهری دارد. این رابطه‌ای میان علت و معلول نیست و به معنای تفکوی جبری درباره فضا نیست، ولی می‌توان به یقین ادعا کرد که کیفیت عرصه عمومی یکی از شرایط اصلی برای غنای زندگی شهری است.

زندگی شهر در عرصه‌های متعددی جریان دارد و شکی نیست که شهروندان به طیف وسیعی از فضاهای خصوصی و نیمه خصوصی هم نیاز دارند. اما فضای خصوصی خانه بطور طبیعی در صدر فهرست اولویت افراد و خانوارها قرار دارد و سهم بزرگی از منابع مالی خانوارها به تأمین و بهسازی مسکن اختصاص داده می‌شود. سوال آنست که چگونه می‌توانیم عرصه عمومی را نیز به خوبی بسازیم و از آن نگهداری کنیم. پاسخ به این سوال بنظر ساده و ابتدایی است، ولی مشاهده کیفیت فضاهای عمومی در بسیاری از شهرهای جهان نشانه آنست که راه دشواری در پیش است.

رشد شتابان شهری، غلبه معادلات اقتصادی در ساخت و ساز و اداره شهرها، فردگرایی، عدم توجه به دیگران، و عدم توانایی مسئولان در پاسخگویی به نیازهای پیچیده جامعه شهری باعث می‌شود که تجربه حضور در عرصه عمومی پر از کاستی باشد. جلب توجه دست‌اندرکاران، از تصمیم‌گیران تا سرمایه‌گذاران و شهروندان، به اهمیت فضاهای عمومی شهری و لزوم اختصاص منابع مالی و انسانی برای این منظور، کاری پیچیده و متداوم است که به نیروهایی خستگی‌ناپذیر و متعهد نیازمند است.

شهرهای قدیمی ایران فضاهای مشترک مهمی به مثابه فضاهای رابطه و صحنه‌های زندگی اجتماعی داشتند. زندگی بیرون از خانه، در کوچه و گذر، بازار و مسجد، تکیه و حمام، و خیابان و میدان در جریان بود. هر یک از این فضاها را تا حد مقدور می‌آراستند و در چارچوب روابط اجتماعی زمانه به خوبی استفاده می‌کردند. به همین دلیل است که این فضاها برای نسل‌های بعدی جاذبه‌ای ویژه دارد، چرا که جلوه‌گر جامعه‌ایست که در آن فضا و جامعه با هم به خوبی ادغام شده؛ جامعه‌ای که به عرصه عمومی خود اهمیت می‌دهد و در نگهداری آن، در حد توان و آگاهی خود، می‌کوشد. اما گسترش بی‌سابقه شهرها، تغییرات گسترده فرهنگی و اجتماعی، و غلبه فناوری‌های نوین، بویژه اتومبیل، چهره و ماهیت و عملکرد فضاهای عمومی را کاملاً تغییر داده است. آنچه که در این شهرها لازم است توجه و تعهدی مشابه با گذشته است تا عرصه عمومی شهرهای نوین را نیز با علاقه و جدیت بسازیم، تا نقشی موثر در سلامت جامعه شهری و در ایجاد انسجام، همبستگی و همکاری اجتماعی داشته باشند. تردیدی نیست که شرایط، مشکلات، نیازها و ابزارهای جامعه نوین

شهری جستجوی تازه را برای دانش، منابع و نهادهایی نوین ضروری می‌سازد.

بنابراین، یکی از گام‌های مهم در بهبود عرصه عمومی، و متعاقباً بهبود کیفیت زندگی اجتماعی، نشر دانش مورد نیاز، تأمل بر دستاوردهای تاریخی و فرهنگی، و مطالعه و تحلیل تجربیات بین‌المللی است. شناخت و بحث درباره نحوه‌های نوین نگرش به مساله و راه‌حل‌های متعددی که در سراسر جهان برای این معضل پیشنهاد شده نقشی بالقوه مهم در ساختن عرصه‌های عمومی شهری دارد. خیلی خوشحالم که دوست عزیز آقای دکتر محمد سعید ایزدی و همکارانشان خانم سمانه محمدی و خانم سمانه خبییری دست به ترجمه اثری مهم از طراح برجسته شهری دانمارکی، یان گل، زده‌اند و از این راه به توسعه دانش و تکوین بحث درباره فضای عمومی شهری در ایران کمکی شایسته کرده‌اند.

علی مدنی پور

نیوکاسل، فروردین ۱۳۹۴

پیشگفتار جرج فرگوسون

یان گل عمر خود را از جوانی و به عنوان دانشجوی معماری به زمینه مطالعات حیات شهری اختصاص داده است، مطالعاتی که از دهه ۶۰ پایه گذاری شدند و از آن زمان بود که من برای نخستین بار از کارهای او مطلع شدم. چشم انداز گل (به شهر)، یکی از آن دست رویکردهایی است که به دنبال مطلوب کردن شرایط شهرها برای مردم هستند. او و همکارانش از جمله بیگیت اسوار، درباره این موضوع به نگارش پرداخته اند و به شهرها، سازمان های مردم نهاد و دولت ها مشاوره های لازم را ارائه کرده اند.

این کتاب به پشت صحنه مطالعات می رود و تنوع ابزارها را در جعبه ابزار بررسی حیات شهری آشکار می کند. دستیابی به درک و شناختی صحیح از کاربرد این ابزارها برای تمامی کسانی که در فرایندهای برنامه ریزی شهری سهمی دارند و دیگر افرادی که مسئول و متولی کیفیت زندگی در شهرها هستند، امری حیاتی است. با انتقال جمعیت بیشتر به شهرها، کیفیت حیات شهری در دستورالعمل ها و برنامه های سیاسی محلی و ملی جایگاه مهم تری می یابد. شهرها جایگاه اصلی طرح و پاسخگویی به موضوعاتی ضروری از قبیل مسائل محیطی و آب و هوایی، جمعیت شهری در حال رشد، تغییرات جمعیت شناختی و چالش های اجتماعی و بهداشتی هستند. شهرها برای جذب شهروندان و سرمایه ها به رقابت با یکدیگر می پردازند. آیا این رقابت نباید به جای تمرکز بر جنبه ها و وضعیت هایی سطحی که توسط ساختمان های بلندمرتبه، فضاهای بزرگ مقیاس و یا عناصر یادمانی جذاب بازتاب می یابد، بر کیفیت زندگی، تجربه زندگی و کار در شهرها و بازدید از شهرها توجه کند؟

مثال های جذاب و فریبنده این کتاب از ملبورن، کپنهاگ، نیویورک و دیگر شهرها نشان می دهد که چگونه از طریق درک و شناخت رفتار مردم و بررسی و مستندسازی نظام مند حیات شهری، کانون توجه ما می تواند تغییر کند.

تغییرات اساسی می تواند از طریق استفاده از مطالعات و بررسی های حیات شهری به عنوان ابزاری سیاسی، محقق گردد. وقتی به پنج سال پیش باز می گردیم؛ هیچکس در آن زمان فکر تبدیل میدان تایمز به مکانی مردمی به جای فضایی سواره رو، به ذهنش خطور نکرده بود. بررسی و مطالعه حیات شهری بخشی کلیدی از این فرایند تغییر بود که توانست آن را به پروژه ای موفق بدل می کند.

"نگاه کنید و بیاموزید" شعار اساسی این کتاب است: به شهر بیایید و ببینید که چگونه این امر کار کرد می یابد، از فهم متعارف خود بهره بگیرید، از تمامی حس های خود استفاده کنید و سپس از خود پرسید آیا این شهری است که ما در قرن بیست و یکم می خواهیم؟ زندگی شهر پدیده ای پیچیده است، اما با ابزارهایی ساده و پژوهش هایی نظام مند، قابل فهم تر می شود.

زمانی که ما به تصویری روشن از وضعیت زندگی در شهرها دست می یابیم و یا حتی زمانی که تمرکز بر زندگی و نه بر ساختمان های مجزا و یا اصول فنی را آغاز می کنیم، می توانیم سوال های مناسب تری را درباره شهری که می خواهیم طرح کنیم و مردم را در کانون توجه قرار دهیم - در این میان مطالعات حیات شهری می تواند ابزاری سیاسی برای تغییر باشد. بررسی و مطالعه حیات شهری بیانگر رویکردی میان رشته ای به برنامه ریزی و ساخت شهرهاست، جایی که هیچ گاه نقطه پایان کاری وجود ندارد و شما همواره باید با نگاهی دوباره بیاموزید و راه های تطابق و تغییر را شناسایی کنید - این ذات و ماهیت یک شهرسازی خوب به شمار می رود.



George Ferguson CBE, PPRIBA

شهردار بریستول، انگلستان

مقدمه مترجمان:

زمینه اصلی طرح موضوع "فضای عمومی" و جایگاه آن در زندگی انسان را می توان در جریان های فکری پشتیبان موضوع عرصه عمومی جست وجو کرد. تجزیه و تحلیل عرصه عمومی^۱ در ارتباط با عملکرد ایدئولوژیکی و سیاسی اش در ادبیات طراحی شهری رایج نیست، با این حال طیف وسیعی از صاحب نظران سایر رشته ها سهم بسیار خوبی در این زمینه ایفا کرده اند [۱]. ایده عرصه عمومی بحث های معاصر پیرامون فضاها و شهرها را به طرق مختلف غنی کرده و نظریه پردازان را به بررسی سایت ها و شیوه هایی که بتوانند منجر به خلق شهروندی دموکراتیک شود، ترغیب کرده است [۲]. ارتباط این نظریه ها با بررسی فضای عمومی عمدتاً به تحلیلی که از ساختار و دگرگون سازی عرصه عمومی ارائه می دهند بستگی دارد؛ تحلیلی که اطلاعاتی درباره فرایندهای اجتماعی و سیاسی که در عرصه عمومی روی می دهند، به دست می دهد. با چنین بینشی می توان به درک بهتری از فضای عمومی به مثابه بخشی تشکیل دهنده از عرصه عمومی دست یافت [۳].

پس از جنگ جهانی دوم، کمونیسم که در قالب اتحاد جماهیر شوروی جان سالم به در برده بود با گسترش به سمت اروپا و چین خود را به چالش مهم لیبرال دموکراسی تبدیل کرد. در همان زمان حکومت های تمامیت خواه که ارتباط تنگاتنگی با فاشیسم داشتند در دهه ۱۹۳۰ در اسپانیا و پرتغال تا اواسط دهه ۱۹۷۰ و دیکتاتوری در یونان بین سال های ۱۹۶۷ تا ۱۹۷۴ به قدرت رسیدند.

در چنین شرایطی که خواست دموکراسی در دوران جنگ سرد همچنان به عنوان موضوعی کلیدی مطرح بود، گونه جدیدی از انتقادات اجتماعی بویژه در حدود سال ۱۹۶۰ شکل گرفت. عرصه عمومی ایده ای بود که در این فضای انتقاد اجتماعی جدید بازنمایی شد [۴].

عرصه عمومی به عنوان اندیشه فلسفی، سیاسی و اجتماعی پایه گذار مفهوم فضای عمومی در قالب چهار جریان عمده در منابع و متون موضوع قابل بررسی است: سنت لیبرال، اندیشه های حنا آرنت^۲، یورگن هابرماس^۳ و رویکردهای انتقادی.

لیبرالیسم، سنتی در تفکر سیاسی غرب است که از مجموعه ای از گزاره ها، پیش فرض ها و اعمال تشکیل شده است. اندیشه محوری این سنت فکری که به دوران رنسانس و پس از آن بازمی گردد، اصالت فرد به عنوان واحد تحلیل است. لیبرال های کلاسیک معتقد به اصالت فرد در مقابل اصالت اجتماع بودند و بر نقش حداقلی دولت در فراهم ساختن محیط سیاسی- اجتماعی و اقتصادی برای کنشگران عرصه اجتماعی تاکید می ورزیدند. طرح زمینه های ایده عرصه عمومی در مطالعات اندیشمندان این حوزه بیشتر به افرادی چون جان لاک^۴ (۱۶۹۵)، جان استوارت میل^۵ (۱۸۶۱)، جوزف شامپیٹ^۶ (۱۹۴۲)، آنتونی داونز^۷ (۱۹۵۷) و بروس اکرمین^۸ (۱۹۸۹) بازمی گردد. هگل از دیگران متفکرانی است - هرچند که به سختی می توان او را در میان اندیشمندان لیبرال جای داد - با ایده جامعه مدنی اش در تمام مطالعات مربوط به عرصه عمومی از جایگاه ویژه ای برخوردار شده است. او اولین کسی است که در تاریخ اندیشه سیاسی تمایزی روشن میان حوزه های خانواده، جامعه مدنی و دولت قائل شده است. ارائه این سه گانه، زمینه درک او از

عرضه عمومی را فراهم آورد و ۱۳۰ سال بعد هابرماس در تئوری پردازی خود درباره عرضه عمومی اولیه از آن بهره گرفت [همان].

به طور کلی در تعریف لیبرال‌ها از عرضه عمومی که آن را حوزه‌ای فراتر از تاریخ می‌دانند، وجود گفت‌وگویی هماهنگ به عنوان یک پیش‌فرض اصلی ضروری دانسته شده است. مبارزه علیه استبداد و تمامیت‌خواهی حکومتی به عنوان یکی از اصول لیبرالیسم منجر به این شده است که تفکر، استدلال و تمرین استقلال به عنوان ارزش‌های اصلی عرضه عمومی در این سنت تعریف شوند. در چنین شرایطی عرضه عمومی خود را در حوزه‌ای میان قدرت حکومت و علاقمندی‌های خصوصی (عرضه خصوصی) شکل می‌دهد. اهمیت آزادی بیان، آزادی و مساوات عموم در برپایی و مشارکت در گفت‌وگو عقلانی، اهمیت نقش مشارکت عموم، محدود کردن اقتدار حکومت در عرضه عمومی، نقش مهم رسانه‌ها به عنوان ابزاری مهم در ارائه نگرش نمایندگان عموم و فراهم آوردن اطلاعات و در دسترس بودن اطلاعات برای تمام اعضای جامعه، ایده‌های اصلی این سنت فکری در زمینه عرضه عمومی را تشکیل می‌دهند.

حنا آرنست یکی دیگر از اندیشمندان اثرگذار بر شکل‌گیری مفهوم عرضه عمومی است. وی نظریه پرداز سیاسی آلمانی-آمریکایی برجسته قرن بیستم است، کتاب "ریشه‌های تمامیت‌خواهی"^۹ را در سال ۱۹۵۱ که در آن به مطالعه نازیسم^{۱۰} و استالینیسم^{۱۱} پرداخته بود، منتشر کرد که بعدها به مرجعی مهم و کلاسیک در این زمینه تبدیل شد. رابطه میان سیاست و سایر عرضه‌های فعالیت انسان رویکرد اصلی او در نوشته‌هایش بود. وی در کتاب "وضعیت بشر"^{۱۲} به بحث درباره فعالیت‌های

انسان و روابط در حال تغییر میان عرضه عمومی و خصوصی از زمان یونان باستان تا زمان حال می‌پردازد. عرضه عمومی برای آرنست عرضه‌ای برای پرورش انسان، رسیدن به درک و شناختی از خود و زندگی سیاسی به عنوان بالاترین گونه زندگی انسان است [همان]. از نظر آرنست عرضه عمومی به آن عرضه از ظهور باز می‌گردد که در آن شهروندان از طریق واسطه سخن گفتن با یکدیگر تعامل دارند، هویت‌های منحصر به فرد خود را آشکار می‌سازند و از طریق تبادل نظر جمعی درباره مسائل مشترک تصمیم می‌گیرند. این عرضه عمومی تنها زمانی می‌تواند برپا شود که ما در یک دنیای مشترک برخاسته‌ها، نهادها و زمینه‌های ایجاد شده توسط انسان که ما را از طبیعت جدا می‌سازد، شریک شویم. سرشت فضاهای عمومی برای عمل و گفت‌وگو سیاسی به وجود دنیای مشترک و ایجاد تعداد زیادی از عرضه‌هایی از ظهور که بتواند هویت خود را آشکار سازند و روابطی از تبادل و همبستگی برقرار کنند، بستگی دارد [۵].

به اعتقاد آرنست نابودی عرضه عمومی بر خلاف فضای ساخت دست بشر نه تنها وابسته به پراکندگی افراد است، بلکه با ناپدید شدن فعالیت‌ها و ممانعت از آن نیز از بین می‌رود. زمانی که مردم به دور هم جمع می‌شوند چنین فضایی به صورت بالقوه وجود دارد و نه الزاماً و نه برای همیشه. بنابراین این فضای ظهور باید دائماً از طریق عمل (کنش) بازآفرینی شود و وجود آن تنها زمانی تضمین می‌شود که فعالیت کنندگان با هدف بحث و تبادل آراء درباره مسائلی که جنبه عمومی دارد به دور هم جمع شوند و لحظه‌ای که چنین فعالیت‌هایی متوقف می‌شود، از بین می‌رود [همان].

ایده‌های آرنت بیشترین تاثیر را بر نظریه‌پردازان منتقدی چون تنودور آدرنو^{۱۳} و والتر بنجامین^{۱۴} که در ارتباط با مکتب فرانکفورت بودند گذاشت، هرچند که رویکرد فلسفی آرنت بسیار متفاوت از مکتب فرانکفورت بود. علیرغم تفاوت‌هایش، آرنت منبع الهام پیشرو مکتب فرانکفورت در اواخر دهه ۶۰، یورگن هابرماس شد که با انتشار کتاب "دگرگونی ساختاری عرصه عمومی"^{۱۵} در سال ۱۹۶۲ به تبیین مفهوم عرصه عمومی پرداخت. کتابی که برای دهه‌های متمادی به عنوان مرجع اصلی مفهوم عرصه عمومی و بحث‌های پیرامون آن بود.

هابرماس، فیلسوف اجتماعی و سیاسی آلمانی و وارث مکتب فرانکفورت در کتاب دگرگونی ساختاری عرصه عمومی در سال ۱۹۶۲ ایده عرصه عمومی را مطرح کرد. وی در این کتاب به بررسی مفهوم عرصه عمومی و کارکردهای آن پرداخته و با شرح تحولات سرمایه‌داری و دگرگونی‌های ناشی از آن در جوامع اروپایی ریشه‌های اجتماعی و تاریخی پیدایش عرصه عمومی را شناسایی کرده است.

هابرماس (۱۹۶۴) در تعریف عرصه عمومی می‌گوید: "عرصه عمومی در وهله اول قلمرویی از زندگی اجتماعی ما است که در آن چیزی شبیه به افکار عمومی می‌تواند شکل بگیرند. دسترسی به این قلمرو برای تمام شهروندان تضمین شده است. بخشی از عرصه عمومی زمانی که افراد خصوصی گردهم می‌آیند تا پیکره عمومی را شکل دهند، تشکیل می‌شود. در چنین شرایطی رفتار افراد نه به مثابه رفتار تجار یا حرفه‌ای که در امور شخصی به تبادل نظر می‌پردازند و نه مشابه رفتار اعضاء موسسه‌ای قاعده‌مند است که تابع محدودیت‌های حقوقی بوروکراسی دولتی است" [۶]. وی شکل‌گیری عرصه عمومی را

وابسته به تضمین آزادی گردهم‌آیی و تعامل میان مردم و آزادی بیان و نشر عقاید دربارهٔ منافع عام می‌داند.

هابرماس بر خلاف آرنت در تعریف عرصه عمومی ایده‌آل خود، نه به الگوی دولت شهر یونانی، بلکه به حوزه‌های گفت‌وگو در اواخر قرن ۱۷ و اوایل ۱۸ در اروپای غربی و نقش و کارکرد اساسی قهوه‌خانه‌ها در انگلستان و باشگاه‌ها در فرانسه که پایه‌گذار شکل‌گیری عرصه عمومی بورژوازی خارج از کنترل حکومت بودند، اشاره کرده که اجتماع مردم در این مکان‌ها زمینه‌ساز گسترش آشنایی جامعه با بحث‌های انتقادی و شکل‌گیری خرد استدلالی و انتقادی بوده است.

بستر شکل‌گیری افکار عمومی و محل بحث و تبادل نظر افراد پیرامون مسائل و منافع و علایق عمومی، تامین منافع عموم شرکت‌کنندگان و خیر جمعی، میانجی گروه‌های همسود و قدرت عمومی، مشارکت و نظارت دموکراتیک، حق ورود تضمین شده برای همه شهروندان، حاکمیت خرد جمعی و گفت‌وگو عمومی، بروز تنوع عقاید و آرمان‌ها و تلاش برای دستیابی به راه حل‌های مشترک از عمده‌ترین ویژگی‌هایی است که وی در تدقیق ایده‌اش از مفهوم عرصه عمومی، بیان کرده است.

فضای عمومی بروز کالبدی (مصنوع یا طبیعی) عرصه عمومی جوامع است، ازین روست که در منابع و متون بر اهمیت بررسی و شناخت تغییر و تحولات عرصه عمومی یک اجتماع در دستیابی به درک مناسبی از فضای عمومی آن جامعه تاکید شده است. بینشی که در نهایت طراحان و برنامه‌ریزان را در چگونگی برخورد با این فضاها و مسائل آن‌ها به عنوان مهم‌ترین فضاهای شکل‌دهنده به روابط اجتماعی ساکنان یاری خواهد کرد.

در تعریف ماهیت فضای عمومی، اینکه چه چیزی را خصوصی و چه چیزی را عمومی تلقی کنیم از فرهنگی به فرهنگ دیگر و در هر بستر فرهنگی در طول زمان تفاوت دارد (مدنی پور، ۱۳۸۳). "عمومی" در فرهنگ واژگان دهخدا و معین به معنای منسوب به عموم، چیزی که شامل همه گردد، آنچه که متعلق و مربوط به عموم باشد، همگانی در مقابل خصوصی تعبیر شده است. در فرهنگ انگلیسی آکسفورد (۲۰۱۰) نیز این واژه به معنای مربوط و متعلق به مردم در معنای عام، ارائه شده (بویژه توسط حکومت) برای تمام مردم در تضاد با خصوصی، در ارتباط یا متعلق به حکومت، باز بودن و در اختیار تمام مردم (عام) بودن تعریف شده است. بر اساس این تعاریف واژه "عمومی" به ویژگی دسترس پذیری برای تمام مردم تاکید دارد و در فرهنگ واژگان انگلیسی به آنچه که در مالکیت حکومت (دولت) باشد نیز دلالت دارد. امری که در فرهنگ واژگان دهخدا و معین در تعبیر "آنچه که به عموم متعلق و مربوط باشد" بیان شده است. با این حال در قانون مدنی ما مرز مشخصی میان مفهوم مالکیت عمومی و دولتی ترسیم نشده است.

بررسی اجمالی تعاریف ارائه شده از فضای عمومی در منابع و متون نشان می دهد که بر ویژگی باز بودن به روی عموم، دسترس پذیری برای مردم و تعامل اجتماعی که در نتیجه دسترسی محدود نشده روی می دهد، توافقی جمعی در تمامی تعاریف ارائه شده وجود دارد و تردیدها و ابهام های موجود در زمینه تدقیق این مفهوم و تفاوت در تعاریف نیز به بحث مالکیت فضا و تاثیر آن بر دسترسی عموم مردم باز می گردد.

به منظور ترسیم تعریفی روشن و ملموس از فضای عمومی می توان به تعریف نیل (۲۰۱۰) ارجاع داد، به اعتقاد وی "فضاهای

عمومی همگی در اطراف ما هستند، ما هر روز هنگامی که فعالیت های روزمره خود را انجام می دهیم با آن ها مواجه می شویم. ما از مسیرهای عمومی و پیاده روها برای رسیدن به محل کار و مدرسه استفاده می کنیم. در مسیرمان برای نوشیدن قهوه و سلام و احوالپرسی با سایر افراد به کافی شاپ ها مراجعه می کنیم. در اواسط روز برای صرف ناهار و لذت بردن از آن به میدانچه ها (پلازاها) می رویم. در راه بازگشت به خانه ممکن است برای ملاقات دوستان و صحبت درباره سیاست با آن ها به یک کافه محلی مراجعه کنیم. و در ایام تعطیل و آخر هفته به مراکز خرید برویم؛ به پارک ها برای استراحت و یا به موزه و تئاتر برای سرگرمی. ما به این فضاها تنها به دلیل زندگی روزانه خود وابسته ایم" [۷].

باور و اجماع عمومی جوامع حرفه ای و دانشگاهی بر این است که فضاهای عمومی برای شهرها به دلایل سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، سلامت عمومی و تنوع زیستی جزئی ضروری محسوب می شوند. ازین روست که فضاهای شهری امروزه به یکی از ارکان اصلی تمرکز اقدامات نظام های برنامه ریزی شهری در جهان و بویژه در جریان رقابت بین شهری روزافزون تبدیل شده اند.

در منابع و متون برنامه ریزی و طراحی شهری معاصر، اجماعی کلی بر نگرانی های روزافزون جوامع درباره افول فضاهای عمومی شهرها به عنوان عرصه وقوع حیات جمعی اجتماع وجود دارد. جهانی سازی، گسترش شبکه های مجازی و رشد روزافزون خصوصی شدن عرصه های عمومی شهر در کنار افول کیفیات کالبدی و محیطی و غفلت از بعد مدیریت و نگهداری فضاها، روند افول فضاهای عمومی شهرها را تشدید و بر اهمیت حیاتی بررسی و مطالعه زندگی فضاهای عمومی به منظور احیاء و

ارتقای جایگاه این فضاها در ساختار حیات اجتماعی شهرها تاکید کرده است.

یان گل به عنوان یکی از چهره‌های برجسته و شناخته شده در میان اندیشمندان و افراد تاثیرگذار بر جریان مطالعه فضای عمومی، از دهه ۱۹۶۰ تمرکز فعالیت‌های خود را بر کیفیت زندگی فضای مابین ساختمان‌ها بنا نهاده است. وی مشاور طراحی شهری و پرفسور طراحی شهری مدرسه معماری کپنهاک در دانمارک است.

فرم و عملکرد فضاهای عمومی دغدغه و زمینه اصلی مطالعات وی را از اولین سال‌های فعالیت‌هایش تاکنون تشکیل می‌دهد. او یافته‌هایش را در این زمینه در بسترهای متنوعی از شهرهای مختلف در سراسر جهان از انگلستان، استرالیا، ایالات متحد و به آزمون گذاشته است و در قالب شرکت مشاور معماری گل تجارب متعدد و موفقی را در ارتقای زندگی فضاها و قلمروهای عمومی خلق کرده است.

در دیدگاه گل، طراحی خوب بر پایه شناخت مطلوب از فضای عمومی شکل می‌گیرد. ازین رو نقطه آغاز طراحی برای وی همواره مطالعه و بررسی عمیق زندگی جاری در فضای عمومی است، تا بتواند پایه‌های یک چشم‌انداز مطلوب و مناسب برای برقراری ارتباط میان کالبد فضا و زندگی را شکل دهد.

وی در کتاب؛ "بررسی زندگی فضای عمومی"، در همکاری با بیگیت اسوار می‌کوشد تا با ارائه ابزارهایی ساده و ارزان و با تمرکز بر شناخت الگوهای رفتاری کاربران فضا، تجربه خود را از چگونگی مطالعه و بررسی روابط و زندگی جاری در فضا برای علاقمندان و حرفه‌مندان روشن کند. کتاب شامل هفت فصل است که در دو بخش ابتدایی مفهوم زندگی فضای عمومی و بررسی و شناسایی آن به عنوان ایده اصلی کتاب تبیین

شده است. فصل سوم جعبه ابزار بررسی فضای عمومی را معرفی می‌کند. در فصل چهارم مطالعات زندگی فضای عمومی در عرصه تئوری و عمل و با نگاهی کرونولوژیکی از منابع الهام‌بخش اولیه، سال‌های اولیه شکل‌گیری رشته تا دوران معاصر مورد تحلیلی جامع قرار گرفته است. فصل پنجم به معرفی تجارب و مطالعات برجسته در زمینه بررسی زندگی فضای عمومی با تاکید بر جعبه ابزار این مطالعات می‌پردازد. فصل ششم تجارب و پروژه‌های اختصاصی گل و شرکت معماری گل را با تاکید بر ابزارهای مطالعاتی معرفی می‌کند. در انتها تاثیر سیاست شهری بر بررسی زندگی فضای عمومی در شهر کپنهاک مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته است.

در ترجمه این اثر کوشیده شده است تا حد امکان مباحث محتوایی و اصول علمی مورد توجه باشند، با اینحال این اثر خالی از لغزش نخواهد بود و مترجمان، تمام محققان، حرفه‌مندان، دانشجویان و علاقمندان به حوزه‌های مطالعاتی مرتبط را دعوت می‌کنند تا نکات و پیشنهادات اصلاحی خود را از این اثر دریغ نکنند. در انتها از تمام کسانی که ما را در تنظیم ترجمه کتاب با مشاوره‌ها و راهنمایی خود همیاری نمودند، صمیمانه تشکر و سپاس‌گذاری می‌شود.

محمدسعید ایزدی - سمانه محمدی - سمانه خیری

اسفند ۱۳۹۳

مقدمه نویسندگان

درک و انجام بررسی زندگی فضای عمومی امری آسان است. ایده اصلی و اولیه برای مشاهده گران، قدم زدن و تماشای دقیق اطراف است. مشاهده، عامل کلیدی است و ابزارها ساده و ارزان هستند. افزایش سرعت مشاهدات در قالب یک سیستم می تواند اطلاعات جالبی را درباره تعامل زندگی و فضای عمومی بدست دهد.

این کتاب درباره چگونگی بررسی و مطالعه تعامل میان زندگی و فضای عمومی است. این گونه از بررسی های نظام مند به صورت جدی از دهه ۱۹۶۰ آغاز شد زمانی که محققان و روزنامه نگاران بسیاری در کشورهای مختلف برنامه ریزی شهری آن دوران را به علت بی توجهی به حیات شهری و زندگی در شهر مورد انتقاد قرار دادند. مهندسان ترافیکی موضوع حمل و نقل؛ معماران منظر بر پارک ها و فضای سبز؛ برنامه ریزان شهری به تصویری بزرگتر تمرکز داشتند. طراحی و ساختار توجه بسیاری را به خود جلب کرده بود، اما حیات شهری و تعامل میان زندگی و فضا مورد غفلت قرار گرفته بود. آیا این امر به خاطر این بود زندگی و حیات شهری مورد نیاز نبود؟ آیا مردم به واقع تنها خواستار مسکن و شهری بودند که همانند ماشین کار کند؟ انتقادهای درباره فقدان سرزندگی در محدوده های مسکونی تازه احداث شده، تنها مختص به جامعه حرفه مندان نبود. عموم مردم به قوت، محدوده های مدرن و تازه ساخت را که اصلی ترین هدفشان نور، هوا و آسایش بود، مورد انتقاد قرار داده بودند.

رشته دانشگاهی که مطالعات و بررسی زندگی فضاهای عمومی را دربرمی گیرد و در این کتاب توصیف و تبیین شده است، به دنبال تولید و ارائه دانش هم در حوزه رفتار انسانی در محیط مصنوع و هم دانش درباره ساختمان ها و سیستم حمل و نقل است.

هدف اولیه این مطالعات، همان هدف معاصر است: درک زندگی فضاهای عمومی به عنوان بعدی مهم از برنامه ریزی. هرچند که مفهوم زندگی فضای عمومی ممکن است در مقابل سیستم های پیچیده حمل و نقل، پیش پا افتاده و ساده به نظر برسد، اما تجدید حیات این مطالعات، مهارتی ساده نیست. این امر در شهرهایی که زندگی فضاهای عمومی تا مرز نابودی محدود شده و همچنین در شهرهایی که از فراوانی زندگی عابران پیاده برخوردارند، اما اقتصاد در حال افول شهر، مانع ایجاد شرایط و محیط های مطلوب برای پیاده روی و دوچرخه سواری می شود، نیز صدق می کند.

توجه به موضوع زندگی فضای عمومی نیازمند اراده سیاسی است. برای زندگی فضای عمومی می تواند به عنوان ابزاری مهم برای ارتقای فضاهای شهری و از طریق دستیابی به هدف شهرهای دوستدار مردم ارائه شود. این بررسی ها می توانند به عنوان داده ها در فرایندهای تصمیم سازی وارد شوند؛ به عنوان بخشی از برنامه ریزی کلان و یا در طراحی یک پروژه منفرد و مجزا مانند خیابان ها، میدان ها یا پارک ها.

زندگی امری غیرقابل پیش بینی، پیچیده و زود گذر است، پس چگونه می توان چگونگی بروز و ظهور زندگی در شهرها را برنامه ریزی کرد؟ البته پیش برنامه ریزی تعامل میان زندگی و فضا در سطح جزئیات مقدور نیست، اما مطالعات و بررسی های

هدفمند می‌توانند در کی بنیادین را از آنچه که موثر و غیرموثر است، فراهم کنند و از این رو راه‌حل‌های معتبر را پیش‌روی ما قرار دهند.

این کتاب نتیجه ۵۰ سال از فعالیت‌های یان گل در سنجش تعامل بین زندگی و فضای عمومی است. او علاقمندی خود به موضوع را به‌عنوان یک پژوهشگر و استاد در مدرسه معماری آکادمی سلطنتی هنرهای زیبای دانمارک در کپنهاگ و در حیطه عمل در شرکت معماری گل به‌عنوان شریک تجاری دنبال کرده است. از این رو بسیاری از مثال‌ها در کتاب، برگرفته از اقدامات و فعالیت‌های گل است. نویسنده دوم کتاب بیگیت اسوار تحصیلات پژوهشی خود را در مرکز مطالعات فضای عمومی در مدرسه معماری آکادمی سلطنتی هنرهای زیبای دانمارک گذرانده است. این مرکز در سال ۲۰۰۳ و تحت رهبری یان گل تأسیس شد. بیگیت اسوار دارای مدرک کارشناسی ارشد در فرهنگ مدرن و تعاملات فرهنگی است، از این رو وی بر پایه سنت میان‌رشته‌ای که یکی از ویژگی‌های اصلی رشته مطالعات زندگی فضای عمومی است، عمل می‌کند. ما دو هدف اصلی را در نگارش این کتاب دنبال کرده‌ایم: ما قصد داشتیم تا به‌طور کلی، منبع الهامی برای مردم در جهت توجه جدی به زندگی فضای عمومی در تمامی مراحل برنامه‌ریزی و ساخت باشیم و ابزار و نکات الهام‌بخشی را ارائه کنیم که مستخرج از تجارب ویژه از چگونگی بررسی و مطالعه ارزان و آسان زندگی فضای عمومی است. امیدواریم که این کتاب، خوانندگان خود را به رفتن به فضاهای شهری و بررسی تعامل بین فضاهای عمومی و حیات شهری به‌منظور کسب دانش بیشتر و شناسایی شرایط مطلوب‌تر زندگی در شهرها ترغیب کند. این کتاب نه بر نتایج که بر ابزارها و فرایندها تأکید

و تمرکز دارد. در این زمینه این ابزارها- یا شیوه‌ها- نباید چیزی جز شیوه‌های متفاوت بررسی تعامل بین زندگی و فضای شهری درک شود. این ابزارها به‌عنوان نکاتی الهام‌بخش ارائه می‌شوند، ابزارهایی که چالش‌های توسعه آتی آنها- که همواره باید در تطابق با زمینه محلی باشد- را نیز در بر دارد.

بخش اول کتاب دربرگیرنده معرفی کلی از بررسی زندگی فضای عمومی است. بخش دوم، تعدادی از سوال‌های اساسی و اصلی را در مطالعه و بررسی [زندگی فضای عمومی] ارائه می‌کند. بخش سوم مروری است بر ابزارهای مورد استفاده در مطالعه تعامل بین فضای عمومی و زندگی. بخش چهارم سابقه اجتماعی و زمینه دانشگاهی برای مطالعات زندگی فضای عمومی را مورد بررسی قرار می‌دهد و افراد کلیدی و موضوعات جاری این رشته را به هم متصل می‌کنند. بخش پنجم شامل چندین گزارش از خطوط مقدم تحقیقات و نگرش‌های متفاوت نسبت به بررسی زندگی فضای عمومی است. در این بخش بررسی‌های اولیه در این زمینه مورد تأکید قرار گرفته‌اند، زیرا که روش‌های مورد استفاده در آنها به‌منظور توصیف ادارک‌ها درباره کارکرد آنها و توسعه آتی آنها بسط یافته و پیرفت کرده‌اند. بخش ششم، نمونه‌هایی از تجارب را با عنوان "بررسی زندگی فضای عمومی" مرور می‌کند. این مطالعات توسط یان گل پایه‌گذاری شد و بعدها از پایان دهه ۱۹۶۰ توسط شرکت معماری گل در بسیاری از شهرها مورد استفاده نظام‌مند قرار گرفت؛ شهرهای بزرگ، متوسط، در شمال، جنوب، شرق و غرب دنیا. از این رو امروزه منابع بسیاری برای تحلیل و نتیجه‌گیری وجود دارند. بخش هفتم سابقه استفاده از بررسی‌های زندگی فضای عمومی را در کپنهاگ به‌عنوان ابزاری سیاسی، بازبینی می‌کند.

نکات:

- [1]. Cuthbert, A. (2006). "The Form of Cities: Political Economy and Urban Design", Wiley-Blackwell.
- [2]. Kohn, 2011
- [3]. Madani Pour, A. (1996). "Design of Urban Space: An Inquiry into a Socio-Spatial Process",
- [4]. Gripsrud, J., Moe, H., Molander, A., Murdock, G. (2010). "The Idea of the Public Sphere: A Reader". Plymouth: Lexington Books
- [5]. Mouffe, C. (1992), "Democratic citizenship and the political community", in C. Mouffe (ed.), *Dimensions of Radical Democracy: Pluralism, Citizenship, Community*, London: Verso, pp. 225-39.
- [6]. Habermas, J., Lennox, S., Lennox, F. (1964), "The Public Sphere: An Encyclopedia Article", *New German Critique*, No. 3, pp. 49-55
- [7]. Orum A & Neal Z, eds. (2010). "Common Ground? Readings and Reflections on Public Space". New York: Routledge.

در مجموع بررسی زندگی فضای عمومی در نگرشی دانشگاهی، تاریخی و اجتماعی قرار داده شده و در دو زمینه نظر و عمل مورد بررسی قرار گرفته است.

هرچند این کتاب محصول تلاش مشترک دو نویسنده می باشد، اما تدوین آن بدون همکاری و تلاش گروه زیر مقدور نبود: کامیلا ریتچر-فریز و نندیورس^{۱۶}؛ مسئول گرافیک و صفحه بندی، آنی ماتان^{۱۷}، کریستیان اسکاروپ^{۱۸}، امی لاورا پرفالاند^{۱۹}، جان استاسراب^{۲۰} و جین بیورستد^{۲۱}. این افتخاری دوباره بود تا همکاری مشترکی با کارن استین هارد^{۲۲} در ترجمه انگلیسی کتاب داشته باشیم.

از صمیم قلب از گروه معماری گل^{۲۳} برای فضای کار، همکاری و محیط الهامی بخشی که فراهم آوردید، تشکر می کنم. همچنین تشکر می کنم از بسیاری از همکاران، شرکاء و سایر دوستانم در شرکت که مرا با عکس های خود یاری کردند. تشکری ویژه نیز دارم از لارس گومز^{۲۴} و تام نیلسن^{۲۵} برای مطالعه موثر متن اولیه کتاب و انشارات ایسلند^{۲۶}، بویژه هیتیر بوی^{۲۷} و همچنین ناشر دانمارکی، بوواکت^{۲۸}.

در انتها نیز از ریل دانیال^{۲۹} برای حمایتش از ایده این پروژه و همیاری مالی اش در تحقق این کتاب تشکر می کنیم.

کپنهاگ، ماه می، ۲۰۱۳